

هو الله - ای مفتون حقیقت، الحمد لله ملاحظه میفرمائی...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (61) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء، جلد
3، صفحه 206

(61)

مشهد

هو الله

ای مفتون حقیقت الحمد لله ملاحظه میفرمائی که از یوم طلوع نیر هدی از مطلع یثرب و بطحا الی الآن چه قدر
انهاری پر صفا بموج و جریان آمد حال واضح و عیان گشت که مجاز بود نه حقیقت سراب بود نه آب بنیان
ویران شد شجر بی ثمر گشت چراغ خاموش شد آهنگ دهل فراموش گردید لا تسمع لهم صوتا و لا رکزا

در بدایت دخول در سجن عکا بنهایت مصیبت و بلا و اذیت اعدا و تحمل رنج و عنا چند نفر از یاران در مصر
بودند روزی بدیدن شخصی عارف جلیل و مسلم عموم و شهیر که در نهایت عزت و حرمت و ثروت بود و در
نزد پادشاه مصر مقرب و در نزد پادشاه عثمانی منظور نظر و در نزد کل بحی الدین ثانی مشتهر رفتند



ORIGINAL

خلاصه کوس لمن الملک میزد از یاران جویا شد چه خبر از عکا دارید گفتند مظلوم آفاق در آن قلعه خراب مسجون و جمیع یاران محزون ولی آن نیر آفاق در نهایت اشراق شخص عارف نفسی مطول کشید خطاب بحضرات حاضرین کرد گفت ما جمیعا دعوی حقیقت مینمائیم و بزبان خلق را بحقیقت میخوانیم دم از حقیقت میزنیم و های و هوئی در خلق میانداریم هر یک مدعی حقیقتیم ولی انصافش اینست که ندا از عکا بلند است حقیقت آنجا علم افراخته نور حقیقت در عکا جلوه نموده است انصافش اینست

باری ملاحظه فرما که حضرت بهاءالله مرقوم فرموده که جناب مرحوم مغفور حاجی ملا هادی سبزواری در غزلی از حقیقت دمی زده‌اند و یک بیت از آن شعر این است

موسی نیست که آواز أنا الحق شنود

ورنه این زمزمه در هر شجری نیست که نیست این آهنگ را حتی از هر گیاهی و خار و خسی میشنید ولی چون از شجره مبارکه این ندا بلند شد محروم از استماع گشت و گفت نه صدائیست و نه ندائی ملاحظه فرمائید سمعی که از خار و خس چنین نغمی احساس مینمود از گل حقیقت که در چمنستان معرفت و گلبانگ بلبل معانی و درس مقامات معنوی بیخبر پس معلوم شد مجاز هر چند دم از حقیقت زند خبر ندارد بی بصر هر چه ستایش آفتاب کند محبوبست و مزکوم هر چند نعت طیب مشوم نماید محروم است الحمد لله مشام آن مهر پرور بنفحات الهی معطر و هذا من فضل ربک الجلیل الاکبر و علیک البهاء الابهی - بهجی ۲۵ محرم سنة ۱۳۳۹ - (ع ع)